

اكرست

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اكرست) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ برابر ۱ ژوئن ۱۹۸۷
 به شماره ۶۰ - ریبال - سال چهارم - شماره ۱۵۹

اجلاس سران کشورهای امضاکننده پیمان ورشو

هفته گذشته در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، اجلاس رهبران احزاب کمونیست مفت کشور سوسیالیستی اروپا که امضا کنندگان قرارداد دفاعی ورشو هستند، برگزار شد. در این اجلاس وزرای دفاع و خارجه اتحاد شوروی، آلمان دمکراتیک، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان و رومانی نیز حضور داشتند.

اجلاس سران برلین، پیشنهادهای سازمان قرارداد ورشو در

مورد خلع سلاح را که از یک سال پیش تاکنون ارائه شده است، مورد تاکید مجدد قرارداد و تدقیق کرد. به عنوان یک ابتکار تازه، کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد می کنند دو پیمان نظامی موجود در اروپا برای ایجاد اعتماد متقابل مذاکراتی پیرامون دکتترین های نظامی خود آغاز نمایند. طبق این پیشنهاد، گفتگوهای مزبور می تواند در سال جاری میلادی در ورشو و یا بروکسل آغاز شود.

اجلاس برلین پیشنهادهای خلع سلاح پیمان ورشو درباره سلاحهای اتمی، شیمیایی و "عادی" و نیز تعداد نفرات نیروهای مسلح در اروپا را تدقیق کرد. در قطعنامه این اجلاس آمده است باید فوراً قراردادی پیرامون محومه سلاحهای میان برد آمریکا و شوروی در اروپا برپایه توافق اکتبر ۱۹۸۶ ریکویایک میان رهبران دو کشور منعقد گردد. در صورت انعقاد چنین قراردادی، اتحاد شوروی موشکهای برد کوتاه خود را از چکسلواکی و آلمان دمکراتیک بخواهد بچید. طبق پیشنهاد پیمان ورشو، اتحاد شوروی و ایالات متحده باید موشکهای عملیاتی - تاکتیکی خود را از اروپا برچیده و درباره تعداد کل این موشکها که در اختیار هر یک از دو کشور است، به مذاکره بنشینند.

پیمان ورشو با تاکید بر پیشنهاد بقیه در صفحه ۱۰

نگاهی به "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی"

دمیدن روح "مکتب" در کالبد ارتش

مبارزات و مقاومت مردمی است، به نیروی نظامی متوسل می گردد. پان اسلامیس و امیال توسعه طلبانه رژیم خمینی که در برخی از مواد و بندهای "طرح قانونی ارتش" نیز انعکاس دارد، بازتابگر نیاز فوق العاده ماشین دولتی ارتجاعی رژیم خمینی به نهادهای نظامی و از جمله آن، ارتش است.

بدنبال سرنگونی حکومت ضد ملی شاه در جریان انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، رژیم ارتش را نیز چون ماشین دولتی به تصاحب خود درآورد.

بحث پیرامون "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی" که شوردوم آن در مجلس خمینی از روز ۱۶ اردیبهشت آغاز شده بود، در هفته های گذشته ادامه یافت و اساس آن به تصویب رسید. اساس "طرح قانونی ارتش" که به ویژه در مواد ۲ تا ۲۹ آن متجلی است، همانا بازتابگر تلاش رژیم خمینی برای دمیدن روح اسلام در کالبد ارتش و کنترل همه جانبه و فراگیر ارتش توسط دوایر سیاسی - عقیدتی و ساواک رژیم خمینی است. "طرح قانونی ارتش" و همه مواد، بندها و تبصره های آن، در واقع "قانونیت" بخشیدن به سیاستها و روش هایی است که رژیم سالهاست در ارتش اعمال می کند.

تجربه همه رژیمهای ارتجاعی به طور عموم و از آن بین تجربه مشخص جمهوری اسلامی نمایشگر آن است که ارتجاع برای حفظ، گسترش و بقای سیطره خود که در واقع سرکوب

هوشدن حزب الله در بن

در روز دوم خرداد (۲۳ مه) حزب الله در بن (آلمان فدرال) به مناسبت "روز قدس" تحت حمایت فعال پلیس، تظاهرات داشت. از مدتی پیش سفارت جمهوری اسلامی به فعالیت افتاده بود، و سفارتها و انجمن اسلامی چيها را بسج زده و ضد انقلابيون افغانی و عده ای حزب اللهی ترک و عرب نیز با پرداخت عنايات خاصه دعوت کرده بود تا جمع همه مزدوران، جمع باشد. آنها از مکانهای مقرر به صورت گروهی در میدان مرکزی شهر بن تخلیه شدند و از حوالی ساعت ۱۱ صبح مراسم مضحک خود را آغاز کردند. سفارت که می دانست تظاهرات حزب الله با واکنش شدید ایرانیان مقیم شهر بن و نیز آلمانی هایی که ماهیت جمهوری اسلامی را می شناسند، مواجه خواهد بود بقیه در صفحه ۱۰

به مناسبت فرارسیدن ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

فرزندان رنج

زنجره بی شمار دردها و رنجها با کمبود شیرخشک آغاز نمی شود. کمبود و گرانی سرسام آور شیرخشک کودک را در مدار زندگی صفی و فلاکت کوپنی قرار می دهد. بر زندگی کودک - پیش از آنکه تولد یابد - مهر اجبار کوپیده شده است. او در خانواده به دنیا می آید و هر خانواده در نظام بهره کشی طبقاتی جایگاهی دارد. کودک در یک "طبقه" به دنیا می آید و اگر طبقه در قاعده هرم اجتماعی قرار گرفته باشد، از پیش درهایی به رویش بسته می شود و درهایی باز، باز به سوی فقر و بیماری و بندگانگی. در همان روزهای آغازین زندگی ممکن است دفتر حیات بسته شود. این جدال اول است. آخر مکره این که بر طبق آمار سازمان برنامه، میزان مرگ و میر کودکان زیر یک سال در ایران ۱۰/۴ درصد است؟ این رقم

می آید و اگر طبقه در قاعده هرم اجتماعی قرار گرفته باشد، از پیش درهایی به رویش بسته می شود و درهایی باز، باز به سوی فقر و بیماری و بندگانگی. در همان روزهای آغازین زندگی ممکن است دفتر حیات بسته شود. این جدال اول است. آخر مکره این که بر طبق آمار سازمان برنامه، میزان مرگ و میر کودکان زیر یک سال در ایران ۱۰/۴ درصد است؟ این رقم



فرزند رنج نمی خندد. خشمگینانه می نگرد و دل می پروراند

در روستاها به ۱۲ درصد می رسد. وزارت بهداشت در سال ۶۲ اعلام کرد: "سالانه ۵۶۰ هزار مرگ و میر داریم که از این تعداد ۲۸۰ هزار کودک هستند. جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر از آنان و ۱۵۰ هزار نفر دیگر به علت بیماری های شایع قابل پیشگیری مثل سرخک و سیاه سرفه از بین می روند." (اطلاعات ۱۵ اردیبهشت ۶۲). بنابر این کام اول در دفاع از حقوق کودکان ایران، دفاع از حق حیات آنهاست.

کودک از نخستین روزهای بقیه در صفحه ۵

وضع کودکان آینه تمام نمای يك جامعه

در صفحه آخر

طفل یتیم

شعری از پروین اعتصامی

در صفحه ۷

خوش بختی

شعری از ناظم حکمت

در صفحه آخر

از تظاهرات بیادماندن برلین غربی علیه شاه ۴۰ سال گذشت

سنت‌های مبارزه با دیکتاتوری در خارج از کشور را پاس داریم!

مزدوران رژیم در خارج هنوز از آزادی عمل نسبی برخوردارند. سطح اعتراضات علی، تناسبی با دامنه خشم و نفرتی که همه ما از رژیم خمینی داریم، ندارد. هنوز مقامات ریز و درشت رژیم به این سو و آن سو سفر می‌کنند بی آنکه این تحرک‌ها در محافل دموکراتیک به صورت اعتراضات بازتابی یابد. هنوز جیره‌بگیران جمهوری اسلامی جرات می‌کنند در شهرهای اروپایی تظاهرات "روز قدس" و... به راه بیندازند و در مواردی حتی گستاخی راه به حد حمله علیه هواداران نیروهای ترقیخواه برسانند.

این وضع، دلیلی بر قدرت رژیم نیست، شمره پراکندگی تلاشهای اپوزیسیون مرفعی است. نیروهای ترقیخواه اقدامات افشاگرانه خود علیه رژیم، اعم از برگزاری تظاهرات، جمع‌آوری امضا و... را بدون هماهنگی و در بهترین حالت، به موازات یکدیگر انجام می‌دهند. نیاز جنبش حکم می‌کند که به این وضع پایان داده شود. مادر برابر مردم خود که در داخل کشور آماج جنایات و سیاهکاریهای پلیس‌ترین حکومت تاریخ معاصر ایران شده‌اند، مسئولیم که موثرترین و نیرومندترین حربه‌ها را برای افشای رژیم ولایت فقیه در خارج از کشور به کار گیریم. ما مسئولیم که هیچ امکانی را در این راه بلااستفاده نگذاریم. با پراکندگی صفوف، چه بسیار امکاناتی که بلااستفاده می‌ماند.

ما پیشنهاد می‌کنیم نیروهای ترقیخواه ایرانی در خارج از کشور چارچوب معینی برای تبادل اخبار و اطلاعات پیرامون اقدامات رژیم و مزدورانش، تحرکات و سفرهای عوامل و مقامات رژیم و فعالیت‌های مراکز خبرچینی و نمایندگیهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور ایجاد کنند و اقدامات خود در واکنش نسبت به این فعالیت‌ها را هماهنگ سازند. این، نخستین گام برای تدوین و اجرای برنامه‌ای برای هماهنگی افشاگرها و مبارزات علیه رژیم می‌تواند باشد.

همواره به فکر

ابتکارهای جدید تر با شیم

درس دیگری که باید از تجارب مبارزه اپوزیسیون ترقیخواه علیه رژیم شاه گرفت، این است که نباید در انتخاب شیوه‌ها و اشکال افشاگری دچار سکون و یکنواختی شد. جنبش پیچیده در صفا.

بود. گواه بارز نیرومندی جنبش همبستگی با مبارزات مردم ایران، شرکت ده‌هزار تن در تظاهرات دوم ژوئن ۱۹۶۷ برلین غربی بود.

رژیم موفقیت نیروهای دموکراتیک و میهن‌پرست ایرانی را یکبارچنگی صفوف آنها بود. افشاگری علیه رژیم شاه در خارج از کشور، امری بود که همه این نیروها در آن اشتراک و اتفاق داشتند. علیرغم وابستگی و هواداری از جریان‌های سیاسی و فکری گوناگون، جنبش دانشجویی در خارج از کشور توانسته بود بخش عمده نیروی بالقوه مبارزه علیه رژیم شاه را در خارج از کشور حول خود گرد آورد و با یک کاسه کردن همه تلاشها، توان این نیرو را مضاعف سازد. اگر قرار

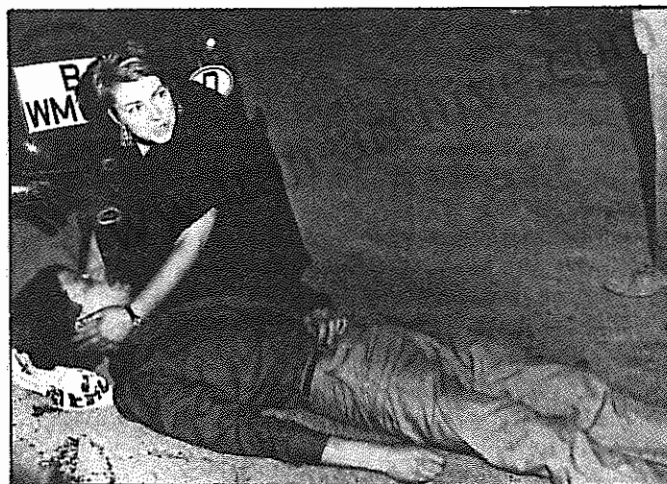
علیه رژیمی که در ددمنشی و سرکوبگری گوی سبقت را از شاه و ساواک آورده است، حداکثر بهره را گرفت.

از لحاظ تبلیغاتی، بدون تردید رژیم شاه در عرصه بین‌المللی در موقعیت مناسب تری از وضع کنونی جمهوری اسلامی قرار داشت. اولاً شاه از حمایت علنی و بی‌قید و شرط دولتهای امپریالیستی و رسانه‌های گروهی بورژوازی غرب برخوردار بود، امری که تالحت‌کنونی پدین حد در مورد رژیم خمینی صادق نبوده است. ثانیاً رژیم جمهوری اسلامی به علت ویژگیهای ایدئولوژیک و سیاسی ولایت فقیه تا حد رژیم شاه توانایی مانور و واکنش انعطاف پذیر

۲۰ سال پیش، در دوازدهم خرداد ۱۳۴۶ (دوم ژوئن ۱۹۶۷)، اپوزیسیون مرفعی ایرانی در خارج از کشور و نیروهای دموکرات و آزادیخواه آلمان فدرال و برلین غربی درسی فراموش نشدنی به رژیم ددمنش شاه و حامیان غربیش دادند. ده‌هزار تن در تظاهراتی که علیه دیدار دیکتاتور ایران از برلین غربی برپا شده بود شرکت کردند. ساواکی‌هایی که شاه با خود آورده بود با عینک‌های دودی و چماق‌های دومتیری به اتفاق نفرات پلیس برلین غربی به این تظاهرات حمله ور شدند. هرچند در این یورش وحشیانه، بنواونه‌زورگ دانشجوی مرفعی آلمانی به ضرب گلوله پلیس کشته شد، اما تظاهرات - پیروزی به عنوان یک موفقیت برای نیروهای آزادیخواه ایرانی و جنبش همبستگی با مبارزات مردم ایران علیه دیکتاتوری شاه ثبت شد. شهردار برلین غربی از سمت خود استعفا کرد، و شاه و حامیان امپریالیست اودیگر پس از آن جرات نکردند برنامه بازدید رسمی و علنی با تشریفات معمول از کشورهای اروپایی غربی ترتیب دهند. تظاهرات برلین غربی به دولتهای امپریالیستی اروپا نشان داد چنین ریدارمایی برای آنها بسیار گران تمام خواهد شد. شاه نیز دریافت به هرچا که اپوزیسیون ترقیخواه حضور داشته باشد گام بگذارد، تظاهراتی مانند تظاهرات برلین غربی در انتظار او است. در آستانه انقلاب نیز اعتراض گسترده دانشجویان ایرانی در مقابل کاخ سفید هنگامی که کارتر از شاه استقبال رسمی به عمل می‌آورد، خاطره "برلین غربی ۱۹۶۷" را زنده کرد. شاه دیگر در خود آمریکانیز در امان نبود.

اتحاد، رمز موفقیت

یادآوری تظاهرات ۲۰ سال پیش برلین غربی و نیز گرامیداشت یاد بنواونه‌زورگ دانشجوی آلمانی که با کشته شدن خود، نام این تظاهرات را در تاریخ ثبت کرد، مناسبی است تا به تجارب سالها مبارزه اپوزیسیون مرفعی ایرانی در خارج از کشور علیه رژیم شاه بیندیشیم و در این تامل کنیم که چگونه می‌توان از این تجارب برای مبارزه امروز



۱۲ خرداد ۱۳۴۶: پیروزی وحشیانه ساواکی‌ها و پلیس برلین غربی به تظاهرات ضد شاه به مرگ بنواونه‌زورگ دانشجوی مرفعی آلمانی انجامید.

می‌شد که در یک شهر و در یک کشور اقدامی اعتراضی علیه دیکتاتوری شاه و حمایت غرب از رژیم او صورت پذیرد، روال معمول بر این بود که با اتحاد عمل نیروهای سیاسی مختلف، این اقدام اعتراضی از دامنه و بازتاب گسترده‌تری بهره‌مند می‌شد. اگر هواداران جریان معینی با طرح هر بهانه‌ای از شرکت در اقدام مشترک خودداری می‌ورزیدند، با این داوری روبرو می‌شدند که سنگر مبارزه را ترک کرده‌اند.

واقعیت این است که امروز متاسفانه چنین نیست. با آنکه در قیاس با دوره حکومت شاه، نقش مهاجرت و مبارزه در خارج از کشور در مجموعه جنبش فزونی گرفته است،

تبلیغاتی در افکار عمومی جهان را ندارد. ثالثاً ابعاد جنایات و رسوایی‌های رژیم خمینی از فضااحت‌های رژیم شاه بسیار فراتر رفته است.

اما رژیم شاه نتوانسته بود این امکانات را برای درهم شکستن انزوای اخلاقی و سیاسی خود به بالفعل تبدیل کند. رژیم شاه در انتظار مردم آگاه، حتی در کشورهای سرمایه‌داری، رژیمی بود فاسد، سرکوبگر و خونخوار - همانگونه که واقعا بود. افشاگریهای مستمر و چندین ساله اپوزیسیون مرفعی ایرانی که با حمایت آزادیخواهان و بشردوستان سراسر جهان انجام می‌گرفت، نقاب از چهره بزگترین دوست غرب در خاونه میانه برگرفته

پایه از صفحه اول

شده بود - ارتش را نیز به سيطرة کامل خود كشد و آن را به نهاد نظامی مطيع و فرمانبر اوامر فرماندهی كل قوا (ولی فقیه) بدل سازد. رژیم پس از "تسخیر" سر برگ اطلاعاتها و تابلوهای یادگانههای ارتش به امر بازسازی ارتش شاهنشاهی طبق ضوابط اسلامی و اصول مکتبی پرداخت.

سیاست مکتبی کردن ارتش بموازات سیاست میلیتاریزاسیون جامعه اعمال شد. حکومت ثوکراتیك خیمینی در عین حال كوشید تا با تقویت سپاه پاسداران در مقابل ارتش، از نقش ارتش بكاهد و آنرا به ارکان درجه دوم نظامی بدل سازد. رژیم گرچه در این كار به همه اهداف خود دست نیافت ولی كوشید تا بوسیله دواير سیاسی و عقیدتی و ساواك كنترل همه جانبه ای بر ارتش اعمال كند. رژیم خیمینی در عرصه جنگ، نیات توسعه طلبانه و امر سرکوب توده ای به ارتش نیاز دارد، اما رژیم هرگز نتوانسته است نگرانی و بیم خود را از نا فرمانی محدود و گسترده ارتش پوشیده دارد. "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی" قانونیت بخشیدن به تلاش مستمر رژیم خیمینی به "مال خود" کردن ارتش است.

ارتش مکتبی مورد نظر رژیم

سیاست بیگانه کردن هر چه بیشتر پرسنل ارتش از توده ها هدف تمامی رژیمهای ارتجاعی است. میراثی قدرت و سیاست اطاعت محض پائین از بالا، لازم الاجرا بودن هر نوع دستور نظامی و متمرکز کردن قدرت فرماندهی در دست فرمانده كل قوا، گرچه هم در رژیم شاه و هم در رژیم خیمینی، ساخت و بافت ارتش را تشکیل می دهد ولی نحوه بیگانه کردن ارتش از توده ها، در رژیم خیمینی نمی توانست همانند رژیم شاه باشد. رژیم برای تحقق این هدف خود، از دمیدن روح مکتب در کالبد ارتش بهره گرفت.

در ماده ۲۹ "طرح قانونی ارتش" در خصوص شرایط عمومی استخدام آمده است:

- "الف: متدین بودن به دین اسلام؛
- ب: ایمان به انقلاب اسلامی؛
- ج: عدم سابقه عضویت یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی؛
- د: عدم عضویت یا وابستگی به احزاب و گروههای سیاسی؛"

بدین ترتیب، از این پس مسلمان بودن شرط نخست استخدام در ارتش می باشد و پیروان سایر ادیان حق استخدام در ارتش را نداشته و تنها به

نگاهی به "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی"

دمیدن روح "مکتب" در کالبد ارتش

عرصه های ارتش را زیر کنترل خود دارد. در ماده ۱۶ طرح درباره نهاد ساواک و ارتش آمده است: "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران سازمانی است با سلسله مراتب مستقل و متمرکز که با هماهنگی وزارت اطلاعات مأموریت و وظایف خود را انجام می دهد."

بدین ترتیب شعبه ساواک در ارتش نیز چون سازمان عقیدتی و سیاسی، نهادی مستقل از ارتش بوده و تحت رهبری مستقیم ولی فقیه و وزارت اطلاعات (ساواک) قرار دارد. در تبصره ۱ ماده ۱۶ طرح آمده است: "رئیس سازمان حفاظت اطلاعات، مورد تایید مقام رهبری بوده و عزل آن نیز با تایید مقام رهبری است." در بند یک این ماده در خصوص مأموریت نهاد ساواک و ارتش تصریح شده است: "پیشگیری، كشف، شناسایی و خنثی کردن فعالیت های براندازی، جاسوسی، خرابکاری، نفوذ جریانات سیاسی و ایجاد اختلال در انجام مأموریت، برقراری امنیت ارتباطات..." از جمله مأموریت های این نهاد می باشد. در بند ۲ این ماده، برخی از وظایف نهاد ساواک در ارتش بدین گونه ارائه شده است:

"الف: کسب و جمع آوری اخبار و تولید، تجزیه و تحلیل و طبقه بندی اطلاعات مورد نیاز.

ب: كشف توطئه ها و فعالیت های براندازی، جاسوسی و خرابکاری.

ج: آموزش تخصصی پرسنل سازمان حفاظت اطلاعات.

د: گزارش اطلاعات و اخبار امنیتی به وزارت اطلاعات.

و: كشف و شناسایی فعالیت های سیاسی، پرسنل و نفوذ جریانات و تشکلهای سیاسی در ارتش، وزارت دفاع و سازمانهای تابعه.

ز: كشف و شناسایی موارد کم کاری و کارکنی و تخلف در انجام مأموریت و گزارش آن به مسئولین مربوطه.

ح: بررسی صلاحیت امنیتی پرسنل ارتش.

ط: طرح ریزی و انجام عملیات فنی حفاظت اطلاعاتی."

در تبصره ۲ این ماده، قدرت و اختیارات نامحدود این ارکان و در ارتش مورد تصریح قرار گرفته است: "ارتش، وزارت دفاع و سازمانهای وابسته موظفند پشتیبانی پرسنلی و لجستیکی مورد نیاز را در اختیار

عنوان سرباز "حق" كشته شدن در جبهه های جنگ را دارند. در ماده ۶ این طرح درباره "اصول و ویژگی های اساسی نیروهای مسلح" قید شده است كه ارتش جمهوری اسلامی حامل صفات ذیل می باشد:

"الف: اسلامی بودن"

"در تشكیل و تجهیز نیروهای مسلح اساس و ضابطه مکتب اسلام است به نحوی كه بر همه شئون و ابعاد آن ضوابط و مقررات شرع حاكمیت داشته باشد. نیروهای مسلح رسالت مکتبی جهاد در راه خدا را بر عهده دارند."

"ب: ولائی بودن"

"نیروهای مسلح تحت فرمان فرماندهی - كل قوا - در تمامی رده های آن می باشند و پرسنل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقدم رهبری بوده و حق عضویت و وابستگی آنان در تشكلهای سیاسی مطلقاً ممنوع می باشد."

"طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی" به منظور اسلامی کردن ارتش تنها به این مواد و تبصره ها اكتفا نكرده، بلكه به دواير سیاسی و عقیدتی در ارتش نه تنها رسمیت، بلكه اقتدار ویژه نیز بخشیده است. در ماده ۱۴ كه به سازمان عقیدتی و سیاسی ارتش اختصاص دارد، تصریح شده است: "سازمان عقیدتی و سیاسی سازمانی است با سلسله مراتب مستقل و متمرکز." تاکید طرح بر استقلال این دواير بدین معناست: این نهاد، تماماً نهاد حكومت مذهبی در ارتش بوده و اداره آن بطور متمرکز در اختیار ولی فقیه است. در بند ۱ این ماده درباره مأموریت این سازمان در ارتش آمده است: "رشد و گسترش فرهنگ و ارزشهای اسلامی در ارتش و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته بر اساس معیارها و ضوابط اسلام و تدابیر و رهنمودها و دستورالعمل های مقام رهبری." در شش بند وظایف این دواير در ارتش تاکید بر آموزش عقیدتی و سیاسی پرسنل ارتش در جهت هر چه بیشتر اسلامی شدن و مکتبی شدن آن است.

كنترل ارتش توسط ساواك

در "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی"، اگر وظیفه اسلامی کردن ارتش بر عهده دواير سیاسی عقیدتی قرار دارد، وظیفه كنترل ارتش كماكان اسلامی نشده بر عهده ساواك رژیم می باشد. ساواك رژیم از طریق "سازمان حفاظت اطلاعات"، همه

سازمان حفاظت اطلاعات قرار دهند."

در تبصره ۳ اختیارات "دخالت سریع" سپاه پاسداران در امور ارتش به رسمیت شناخته شده و آمده است: "رئیس سازمان حفاظت اطلاعات موظف است در موارد براندازی و خرابکاری مهم، فرمانده كل سپاه پاسداران را سریعاً در جریان قرار دهد." و در تبصره ۴، همکاری دواير سیاسی و عقیدتی ارتش با سازمان حفاظت اطلاعات مبنی بر اسلامی کردن و كنترل همه جانبه ارتش پیش بینی شده است. "سازمان حفاظت اطلاعات موظف است موارد انحرافات عقیدتی سیاسی پرسنل را به سازمان عقیدتی سیاسی منعكس نماید." در بند ۷ ماده ۷ طرح در خصوص مأموریت و وظایف ارتش، بر نقش سرکوبگر ارتش تاکید شده است. در این بند آمده است: "همکاری با نیروهای انتظامی - شهربانی، ژاندارمری و کمیته ها - و سپاه پاسداران در مقابله با اشرا، یافغان، قاچاقچیان، تجزیه طلبان و جریانات براندازی". همچنین در بند ج همین ماده بر اقدامات ارتجاعی برون مرزی ارتش در كنار سپاه پاسداران، با این فرمول بندی اشاره شده است: "آمادگی جهت همکاری با سپاه پاسداران در كك، مثل مسلمان و مستضعف جهان در دفاع از خود در برابر تهدید و تجاوز نظامی."

این است شای كلی "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی". این طرح رسمیت دادن به سیاست عملاً جاری رژیم در قبال ارتش است. این طرح نشانه ورشكستی و ناکامی سیاسی رژیم در مقابل ارتش می باشد. این حقیقتی است كه رژیم در راستای اسلامی و "مال خود" کردن ارتش می كوشد، اما این طرح در عین حال بیانگر ترس و نگرانی عمیق رژیم از ارتش كماكان اسلامی نشده فعلی است. رژیم خیمینی از گسترش تفكر سیاسی و افزایش نفوذ جریانات انقلابی در ارتش واهمه دارد. استقرار دواير سیاسی و عقیدتی "مستقل" و نهاد "مستقل" ساواك در ارتش، پیش بینی دخالت نظامی سپاه پاسداران در طرح، اعمال ممنوعیت مطلق عضویت و وابستگی پرسنل ارتش در تشكلهای سیاسی، حفظ بافت و ساخت ارتش شاهنشاهی بدون شاه، تدریجی ولی فقیه در امور نظامی تحت عنوان فرمانده كل قوا، تبدیل سپاه پاسداران به يك ارتش دارای سه قوه نظامی و... بیانگر نگرانی عمیق رژیم نسبت به ارتش و واكنش آن در قبال حوادث آتی است. ●

خمینی: حمله کنید! قضیه مشکل تر می شود

جبهه در فعالیت باشند. هر روزی که بسه تعویق بیفتد این قضیه مشکل تر می شود". خمینی، در سخنرانی خود متذکر شد که مسئولین با پیروی از "هوی نفسانی" و "عقلانی" خود نمی توانند "قضیه" جمهوری اسلامی را حل کنند. وی از دست اندرکاران حکومتی خواست از هر گونه "هوی و هوس و سرکشگی" که موجب پراکنندگی و دوری آنان از "ضیافت خدا" می شود پرهیز کنند. خمینی افزود: "خوف" وی از آن است با این وضع، "ضیافتی در کسار نباشد."

در سال ۶۵ مردم بیش از سال قبل مالیات پرداختند

آن معادل ۵۲/۷۳ درصد بوده است. مالیات بردارآمد شرکتهای دولتی در سال آماری مذکور ۱۸۶/۴۱ میلیارد ریال بوده که ۱۵ درصد افزایش نسبت به سال ماقبل داشته است. بر خلاف این، مالیات بردارآمد شرکت های خصوصی در سال ۱۴/۳۹ فقط ۱۴/۳۹ میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل از آن هیچ تغییری را نشان نمی دهد.

بنا به گزارش رایج شده، میزان مالیات بر درآمد در سال ۱۳۶۵ نزدیک به ۱۶۳/۳۲ - میلیارد ریال بوده که نسبت به سال پیش از آن ۱۹/۸۹ افزایش داشته است. در همین رابطه مالیات بر حقوق شامل بخش دولتی و خصوصی ۹۲/۹۵ میلیارد ریال بوده که در مقایسه با سال ۶۴، مالیات دهندگان این بخش که کارمندان دارای دستمزد ثابت هستند بیش از ۲۵ درصد بیشتر مالیات پرداخت کرده اند. در بخش پایانی گزارش وزارت امور اقتصاد و دارایی وصولی مالیات از فروش سیگار ۱۳۵/۱ میلیارد ریال ذکر شده که خود به تنهایی ۳۰/۴۸ درصد مانیاتهای غیر مستقیم رایج خود اختصاص داده است.

روز جمعه ۸ خرداد ماه رئیس جمهور و رئیس مجلس رئیس دیوانعالی کشور و نخست وزیر همراه با جمعی از مسئولین لشکری و کشوری به مناسبت عید فطر در چهاران با خمینی دیدار کردند. در این دیدار، خمینی با اشاره به اوضاع جبهه ها، بار دیگر کسانی را که مسئولین جمهوری اسلامی را به پذیرش صلح فرا می خوانند، مورد حمله قرار داد و گفت: "آنها که می گویند بایست سازش کرد آیا می فهمند که اگر سازش کنیم چه می شیم؟"

خمینی به همه مسئولین هشدار داد جنگ نباید متوقف شود، با توقف، "کار مشکل تر می شود" (مردم بسیج، ارتش، سپاه) و

وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی بیان مالیات دریافتی خود در سال ۶۵ را طی یک گزارش آماری منتشر ساخت. بر اساس آمار منتشره، در سال گذشته ۱۰۶۲۳۳۵۸۰۱ هزار ریال توسط وزارت دارایی از مردم به عنوان مالیات بردارآمد و مالیات متفرقه اخذ شده است. طبق این گزارش مالیات های مستقیم دریافتی اعم از بخش خصوصی و دولتی در ۱۲ ماهه سال ۶۵ حدود ۵۷۹۶۱۰۷۴۶۱ هزار ریال بوده که در مقایسه با وصولی مالیاتهای مستقیم در ۱۲ ماهه سال ۶۴ به میزان ۹ درصد رشد نشان می دهد.

درآمدهای مالیاتی متفرقه در سال ذکر شده شامل حق تعبر، اوراق بهادار و عوارض خروج از کشور، گذرنامه بالغ بر ۲۷۸۲۱۲۷۴ هزار ریال گردید که در مقایسه با سال ۱۳۶۴ نشان دهنده ۱۶ درصد افزایش می باشد.

آرژانتین اورانیوم به ایران صادر می کند

"آرژانتین اورانیوم غنی شده" غلظت دار" به ایران صادر می کند تا آن در یک راکتور اتمی تجربی استفاده شود. "روزنامه کیهان هوایی ضمن اعلام خبر فوق، به نقل از خبرگزاری رسمی آرژانتین نوشته است که صدر اورانیوم غنی شده از اوایل سال ۱۹۸۹ آغاز خواهد شد. راکتوری که در آن اورانیوم وارداتی از آرژانتین مورد استفاده قرار خواهد گرفت، در سال ۱۳۶۵ از آمریکا خریداری شده است.

درخواست محدودیت بیشتر برای مخالفین رژیم در آلمان فدرال

"آلمانی ها در روابط آینده با ما به این شرط که مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی را در نظر داشته باشند شانس خوبی دارند و از جمله باید همانند فرانسه در خصوص فعالیت ضد انقلاب در آن کشور تجدید نظر بعمل آورند." این مطلب را رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با محمد جواد سالاری سفیر رژیم خمینی در آلمان فدرال بیان کرد. یک هفته بعد از این پیام رفسنجانی به مقامات آلمان فدرال مبنی بر ایجاد محدودیت های بیشتر برای مخالفین رژیم در این کشور، هانس یورگن ویشنوسکی فرستاده ویژه صدراعظم آلمان فدرال وارد تهران شد. رادیو جمهوری اسلامی در خبر روز دوشنبه ۴ خرداد ماه، هدف سفیر ویشنوسکی به تهران را مذاکره با مسئولین رژیم جهت آزاد ساختن دو آلمانی گروگان گرفته شده در لبنان ذکر کرد.

ویشنوسکی در تهران با رفسنجانی دیدار کرد. در این ملاقات علاوه بر مسئله گروگانها، جنگ ایران و عراق و همچنین گسترش باز هم بیشتر روابط دو کشور مورد مذاکره قرار گرفت.

عصر روز دوشنبه رسانه های غربی اعلام کردند که ویشنوسکی در تهران با یک رهبر گروه لبنانی نیز دیدار کرده است. روز سه شنبه ۵ خرداد رادیو جمهوری اسلامی پیرامون سفر ویشنوسکی به تهران و همزمان با آن حمایت آلمان فدرال از جمهوری اسلامی در اجلاس اخیر وزرای خارجه کشورهای صنعتی امپریالیستی تفسیری ارائه کرد. در این تفسیر از اقدامات این دولت قدردانی به عمل آمد.

دونت آلمان فدرال با عنوان اینکه سفر ویشنوسکی صرفا به منظور حل مسایل گروگانها بوده است از هرگونه اظهار نظری نسبت به گفتگوهای وی در تهران خودداری کرد.

انفجار اتومبیل سفارت رژیم در لبنان

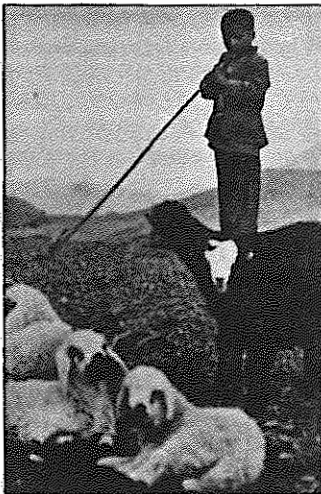
خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که اتومبیل ۳ تن ار کارکنان سفارت ایران در لبنان در شهر صحر مورد حمله مسلحانه قرار گرفت و منفجر شد. در جریان انفجار اتومبیل یک تن از سرنشینان آن کشته شد. کارکنان سفارت جمهوری اسلامی به منظور شرکت در نمایش روز قدس و مانور پاسداران به شهر صحر رفته بودند.

مذاکره دولت آرژانتین و جمهوری اسلامی برای انعقاد قرارداد همکاری "اتمی" از چندین ماه پیش بصورت پنهانی دنبال می شد که در اردیبهشت ماه با توافق طرفین خبر آن به صورت علنی منتشر گردید. در این ماه با سفر هیاتی به سرپرستی معاون سیاسی نخست وزیر مذاکرات خاتمه یافت و قرارداد صد و اورانیوم به ایران به امضا رسید. کیهان هوایی رقم قرارداد را ۵/۵ میلیون دلار ذکر کرده است.

به مناسبت فرارسیدن ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

فرزندان رنج

بقیه از صفحه اول



طیلس - کودکیان

۱۰۰ هزار دانش آموز به قتلگاه جنگ اعزام شده اند. چه تعداد زنده بازگشته اند؟ اکنون از اقتضات مدیران مکتبی مدارس این شده است که آمار کشته شده های مدارس خود را اعلام کنند. هر مدرسه ۱۰۰ نفر، ۱۵۰ نفر، ۲۰۰ نفر.

این از جنگ، دیگر چه؟ در مدرسه چیزی هم می نویسد؟ از مشق و حساب چه خبر؟ دفتر ۱۰۰ برگ ۱۰۰ تومان. قیمت روند و مقلوع است. هر ور یک تومان. مشق شب ممکن است ۱۰ تومان خرج بردارد. نمی صرفه! یا مشق را باید تعطیل کرد و یا مدرسه را. خیلی ها مدرسه را ترک می کنند. هر کودک یک نیروی کار است، بالاخره دست و پایی دارد که می توانند چم بخورند. درس و مشق نیمه کاره رها می شود، کودک در کنار پدر و مادرش در تولید جایگاه خود را می یابد. مگر راهی دیگری هم هست؟

اما تو که در مدرسه مانده ای، چه می آموزی؟ می آموزم که نیمه آموزم، می آموزم که نیندیشیم، می آموزم که "شهید" شوم. اما اگر "شهید" نشوی خواهی آموخت. از زندگی خواهی آموخت. منطبق زندگی چنین است.

در کوچه چه خبر؟ بازی می کنی؟

بقیه در صفحه بعد

کارش را به خود و به خانواده اش "بفروشد". عمدتاً در روستاها چنین است. نانخور باید نان آور باشد. ظاهراً همه چیز قانونی است. اما ظاهر قضیه چنین است: او نیروی کارش را به نظامی می فروشد که بر او داغ لعنت کوبیده است. او باید چنین کند. باید راهی مزرعه و کارگاه شود، در خیابان سیکار و روزنامه بفروشد، و یا به بند تکی پدر و مادر را تکمیل کند. در غیر این صورت از نان نمی تواند خبری باشد.

بخش مهمی از نیروی کار در کارگاه های کوچک را کودکان تشکیل می دهند. ابتدا کارش آب و بار و کردن است. بعد پشت دستگاه می رود و اگر دستگاه لت و پاره اش نکند، برای یک عمر ضمیمه آن می شود. کودکان کارگران به کودکان کارگر تبدیل می شوند. قاعده چنین است. نظام جهانی سرمایه داری، از قبل جایگاه و سرنوشت او را تعیین کرده است.

خوش به حال تو که به مدرسه راه یافتی، اما در مدرسه چه خبر؟ مدارس مخروطی اند، در هر کلاس هفتاد هشتاد نفر را می چنانند و به ما زنجیره کردن را می آموزند. آخر ما باید خودمان را برای "شهادت" آماده کنیم! امور تربیتی، انجمن اسلامی، بسیج دانش آموزی، طرح پاسدار - دانش آموز ... همه و همه وتلیفه مقدمشان کشاندن کودکان و نوجوانان به کام عفریت جنگ است. در اردیبهشت ماه سال گذشته وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرد که تنها در سال ۶۴، بیش از

می شوند. کیهان ۲۶ اردیبهشت ماه امسال در گزارشی از روستاهای سیستان و بلوچستان نوشته است: "بچه ها به طور کلی ۹۰ درصد بی سواد با می آیند و ۱۰ درصد بقیه هم چنانچه امکاناتی برای رفت و آمد به شهر داشته باشند می توانند به تحصیلات خود ادامه بدهند."

در ایران، کودکان خرید و فروش نیز می شوند. فاطمه ۷ ساله بود و زهرا خواهر کوچکتر او ۵ ساله که پدرشان آنها را در دفتر خانه اسناد رسی ۲۹ اسفراین به صاحب یک کارگاه قالی بافی فروخت. پدر بچه ها

حیات خود با گرسنگی آشنا می شود. سو تغذیه جسم بیمار را برای پذیرفتن بیماریهای مختلف چه درمان سنن کودکی و چه در آینده آماده می سازد. روان پژمرده، مکمل جسم پژمرده می گردد. در کشور تغذیه خوانی و عزاداری نغمه های کودکان نیز به مرثیه خوانی تبدیل می شود. بازی؟ آری کودکان بهر حال بازی می کنند، اما به قول اهالی اسلام شهر "درمیان زباله ها" (کیهان - اول اردیبهشت ۶۴).

کودک برآمده است. از دست سرخ و سیاه سرفه و بیماریهای عفونی



آوارگی، تکه تکه شدن، گرسنگی کشیدن ...

این است شمره چناب برای کودکان. در توجیه این امر گفته است: "خوب، وقتی که من نمی توانم نان و آب این بچه ها را تهیه کنم، پس چه حاکمی باید به سرم بریزم. بهتر از اینه که جلو چشم از گرسنگی پرپر بزنم. لااقل اونجا به تکه نان خشک برای خوردن که گیرشان می آید." این حکایت دردناک و تکان دهنده در کیهان ۷ بهمن سال گذشته بازتاب یافته است. اما فروش نیروی کار کودکان تنها به این اشکال محدود نمی شود. قاعده آن است که کودک نیروی

جان سالم به دربرده و اکنون شش ساله شده است. سرنوشت برخی هارون است: شاید یک سالی باشد که بر روی دار قالی نشسته اند. بقیه چی؟ به مدرسه می روند؟ آمار دولتی حاکی است که از هر ۱۰۰ کودک ایرانی، ۲۰ نفرشان نمی توانند حتی خواندن و نوشتن یاد بگیرند. از هر ۱۰۰ نفر که به دبستان راه پیدا می کنند، فقط ۵۰ نفر می توانند به دوره راهنمایی برسند. در روستاها و مناطق محرومتر کشور چنین ارقامی به مراتب درشت تر



کودک تبارش را در آغوش می فشارد و لعله شماری می کند، شاید وسیله ای در جاده پیدا شود تا او بتواند طفل بیمار را به طبیب و درمان برساند.

به مناسبت ۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

وضع کودکان، آینه تمام نمای يك جامعه

بقیه از صفحه آخر

کودکان مشهود گردند. در کشورهای سرمایه‌داری در روز کودک داغ رنگ بصر چهره نظامی می‌گویند که به جای تأمین سعادت نونهالان آنها را استثمار می‌کند و از شادمانی محروم می‌سازد.

بهره‌کشی از کودکان

وحشیانه‌ترین نمود

استثمار سرمایه‌داری

به راستی که استثمار سرمایه‌داری بهر همانندترین و خند بشری‌ترین نمود را در بهره‌کشی از کودکان نشان می‌دهد. ما در میهن خود با این گونه جنایات در حق جوانه‌هایی که تشکله یزید می‌شوند به اندازه کافی آشنا هستیم. آن دختر کوچک قالی باف که در کارگاه‌های نیر و تارک شیر جانش را در نقش و نگار فرش می‌ریزد، آن پسر بچه‌ای که به جای

نشستن در کلاس درس پوستند، حرارت طاقتفرسای کوره آجرپزی تاول می‌زند، آن دهقان زاده‌ای که از سحید سحر تا شب‌چان می‌کند، آن کودکی که برای چند ریال در کوچه و خیابان به دستفروشی مشغول است، همه و همه ما را با چهره کریه نظام بهره‌کشی انسان از انسان روبرو می‌سازند.

اما تصور نکنیم این رنج‌هایی که کودکان ما می‌کشند تنها ناشی از فلاکت و بحران اقتصادی کنونی است. سرمایه هر جا که هست همین استحقاق در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی.

در آمریکا، ۸۰۰ هزار کودک به کار سخت کشاورزی مشغولند و برای کاری که از طبع آفتاب تا پاسی از شب ادامه می‌یابد کمترین دستمزد را می‌گیرند. در بریتانیا ۲۰ درصد قربانیان سوانح کشاورزی کودکان زیر ۱۵ سال هستند. در فرانسه، یونان، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال نیز کودکان کارهای سخت بدنی انجام

فرزندان رنج

بقیه از صفحه قبل

آری همچنان در کوچه‌های تنگ و باریک شهرها و فضای آزاد "زباله‌ها". برای خرید توپ فوتبال هم باید از مسجد تایییدیه داشت، فرم ببرد و مورد س-ج قرار گرفت تا توپ فوتبال به نرخ دولتی گیت بیاید. (اطلاعات ۱۲ آبان ۶۲)

و سوالی مهمتر: در خانه چه می‌کنی؟ حقوق کودکان قبل از هر چیز با حقوق مادران و زنان گره خورده است. دیگر جایی برای سوال باقی است؟

کودکان خود تشکیل خانواده می‌دهند. دختران ۹ ساله به شوهر دادن شرعی و قانونی است.

حق کودکان در قانون چیست؟ کودکان در قوانین جمهوری اسلامی انسان به حساب نمی‌آیند. قانون قصاص به عنوان قانون پایه در نظام حقوقی اسلامی اعلام می‌کند: "هرگاه پدر یا جد پدری، فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود." و یا "هرگاه بالغي نابالغي را بکشد، بهتر است اولیای

دم، برای احتیاط شرعی، از قصاص صرف‌نظر کنند و به دیه راضی شوند." یک کودک را بکش و مثلاً یک شتر به اولیای دم بده! شرع انور از دستت راضی است.

اما بخند! تویی که زندگی را کریه‌ای دایمی است. زندگی در وجود تو تبلور می‌یابد. رنج می‌کشیم و رنج خود به ما می‌آموزد که به این مصایب پایان دهیم. چنین بوده است اما چنین نخواهد ماند. ۱۲ آبانهای دیگری در پیش است. بخند! روز تو فرارسیده است، روزگار تو نیز خواهد رسید. ۱۱ خرداد روز جهانی کودک بر تو مبارک؛ هر تو که از گرسنگی می‌گویی، هر تو که تن رنج‌بخت از دستی شتابش به دور است، هر تو که عمالکون در مزرعه و کارخانه و خیابان، رنج را با انگشتان لاغر می‌آزمایی و بر تو که در میدانهای مین تکه تکه می‌شوی و ۱۲ آبانهای فردا را نخواهی دید.

می‌دهند تا به امرار معاش خانواده کمک کنند. در بازار مشترک اروپا، ایتالیا همه روزه را نکسته است. طبق آمار سندیگهای این کشور ۵۰۰ هزار کودک به ویژه در ناحیه نایل در صنایع نساجی و جرم و نیز تولید قطعات اتومبیل و سایر صنایع اشتغال می‌شوند. در اندونزی حداقل ۲ میلیون کودک زیر چهارده سال از فقر خانواده محروم به کار کردن هستند.

در آمریکای جنوبی ۳۵ میلیون کودک خیابان‌ها زندگی می‌کنند. از هر پنج کودک یکی عمرگز به مرده نمی‌روند. این رقم در مناطق روستایی بالاتر است. طبق آمار سال ۱۹۸۵ سازمان بین‌المللی یونسف، ۷۰ درصد کودکان اکوادوری در "موقعیت خطرناک و ضرری به سر می‌برند. از هر هزار کودک بین ۲۰ تا ۳۰ تن در همان سال اول زندگی می‌میرند. در هر ۹۰ دقیقه یک کودک اکوادوری بر اثر ابتلا به اسهال جان می‌سپارد. جهل در صد کودکان زیر هرسال از سوء تغذیه رنج می‌برند.

آنها که کودکان "طبقه ممتاز"ند

آیا در کشورهای سوسیالیستی طبقه ممتازی وجود دارد که همه گروههای دیگر مردم باید در خدمت آن طبقه باشند؟ آری، کودکان!

در اتحاد شوروی در هر دقیقه ۱۰ کودک چشم به جهان می‌گشایند. به چه جهانی؟ ۲۴ هزار تخت در ۱۰۸۰۰ زایشگاه آماده پذیرش مادران است. عمو زن شوروی به طور متوسط ۲/۲ فرزند به دنیا می‌آورد. در کشورهای پیشرفت اقتصادی با اتحاد شوروی قابل مقایسه اند این رقم بسیار پایین‌تر است (در اغلب کشورهای پیشرفته

صنعتی غرب این رقم به ۲ نمی‌رسد) زیرا در این کشورها برای یک خانواده داشتن فرزند با محرومیت اقتصادی همراه است.

برای کودکان شوروی ۱۴۱ هزار مدرسه وجود دارد. ۱۲۱۱۵ مدرسه حرفه‌ای و ۴۴۳۷ مدرسه فنی همراه با ۸۹۰ دانشگاه راه تحصیل را برای سازندگان فرد فراهم می‌سازند. بیش از یک چهارم کل بزرگان بر اتحاد شوروی زندگی می‌کنند و قبل از همه برخاست کودکان قرار دارند.

در کشور آسیای مغولستان زنانی که چهار فرزند و یا بیشتر به دنیا آورند می‌توانند در سن ۵۰ سالگی بازنشسته شوند. این مادران از حقوق استفاده رایگان از آسایشگاه و خانه‌های بیلاقی برای یک بار در هر سال بهره‌مندند.

در همه کشورهای سوسیالیستی دولت مسئولیت تأمین زندگی کودکان و خانواده‌ها را بر عهده دارد. اما فراتر و مهم‌تر از این در این کشورها مادر شدن و پدر شدن خدمت به میهن سوسیالیستی اعلام شده است و جلا همه به تربیت فرزند بعنوان کاری بر افتخار می‌نگرد و بدان ارجح می‌گذازد.

در آنکولا عزیزم تمرکز نیروهای مداخله‌گر و مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم آپارتاید برای درهم شکستن انقلاب حکومت مردمی بودجه و امکانات زیادی برای حمایت از کودکان اختصاص داده است. تحصیلات عمومی و رایگان به اجرا گذاشته می‌شود. در فرانسه‌ترین مناطق مدرسه برپا می‌شود. برای نخستین بار در سال گذشته کتابهای درسی در این کشور به چاپ رسید. سازمان کودکان پیشاهنگ آنکولا بیش از یک میلیون عضو دارد. بر صفوف این سازمان کودکان از نخستین سالهای زندگی روحیه جمعی و پیشرو پیشناز بودن را می‌آموزند.

آری، "امروز" جهان در وضع کودکان که محرومانی آن را خواهند ساخت جلوه گر است.

دستم بگرفت و پایه پا برد / تاشیوه راه رفتن آموخت



حقوق کودکان در درجه نخست با حقوق مادران و زنان گره خورده است
تابلوی "شادمانی نخستین گامها"
اثر مدات کاکاروف

توصیه "خیرخواهانه" اعمال شاقه برای زنان

حجت الاسلام قرائتی مسئول
"سوادآموزی" و یکی از آخوند -
دلگشای تلویزیون خمینی:
"متأسفانه از زمانی که کارهای
پدی در خانه ها کم شد، زن ها بیشتر از
معمول مریض شدند. یعنی از آن که
کارهای شستشو، اطو کردن، پخت و پز
و خیلی هایشان به کمک برق انجام
گرفت، بیماری وضعف و سستی بیشتر
شد که این خود مساله ایست!"
مجله دنیای ورزش ۲۲- اسفند ۶۵

چهار سال زندان برای ۱۱ هزار قتل!

می گرفت. تبهکارانی که روپوش سفید
پزشکی می پوشیدند، هزاران تن را به
قتل می رساندند.

دو پزشکی که اخیراً در
فرانکفورت محکوم شدند، در سال
۱۹۴۰ عهده دار مسئولیت یکی از
بزرگترین مراکز نگهداری، قربانیان
رژیم هیتلری بودند. قضاوت دادگاه
آلمان فدرال طبق روال هیتلری نظام
قضایی این کشور که نسبت به
جنایتکاران نازی نظر "لطف و
عنايت" دارد، این دو تن را تنها به
پهار سال زندان محکوم کرد و آنها را
مشمول "عدم اختیار در اجرای دستور"
دانست. این قضاوت، مورد اعتراض
کسترده نیروهای ترقیخواه آلمان
فدرال قرار گرفت.

اخیراً در فرانکفورت (آلمان
فدرال) محاکمه در پزشکی که در هنگام
حکومت فاشیستهای هیتلری، هزاران
انسان بیگناه را تحت عنوان بیماران
روانی به قتل رساندند، به پایان
رسید. دادگاه، آکویلین اولریش و
هایزیش بوتکه را به ترتیب در شرکت
در قتل ۴۵۰۰ و ۱۱ هزار تن مقصر
شناخت و - خوب دقت کنید - به چهار
سال زندان محکوم کرد!

فاشیستهای هیتلری در
ایدئولوژی ضد بشری و نژادپرستانه
خود برای کسانی که از نظر آنها متفکر
"زندگي بی ارزش" قلمداد می شدند،
حق حیات قائل نبودند. از این رو، در
مراکزی که بیماران روانی و یاکسانی
تحت عنوان بیمار روانی زندانی
شده بودند، جنایات بی شماری انجام

ادبیات کودک در ایران با درخشش
ستاره تابناکی همچون صد بهرنگی
چشم انداز نوینی یافت. در این زمینه
همچنان جای هزار کار باقی است و نیز
در زمینه ای هسته با آن حضور
کودکان در ادبیات بزرگسالان. در
این مرصه از پروین اعتصامی به بعد
تقریباً کاری صورت نگرفته است.

طفل یتیم

کودکی کوزه ای شکست و گریست
چه گفتم، اوستاد اگر پرسد
زین شکسته شدن، دلم بشکست
چه گفتم، گر طلب کند تاوان
گر نکوش کند که کوزه چه شد
کاشکی دود آه می دیدم
چیزها دیده و نخواستم
روی صادر ندیده ام هرگز
کودکان گریه می کنند و مرا
دامن مادران خوش است، چه شد
خواندم از شوق، هر که را مادر
از چه یکدوست بهرمن گذاشت
دیشب از من، خجسته روی بتافت
من که دیبا ندانم همه عمر
طوق خورشید، گر زمره بود
لعل من چیست، غنچه های دلم
اشک من، گوهر بناگوشم
کودکان را کلیج هست و مرا
جاسدام را به نیم جو نخرند
ترسم آنگه دهند پیرهنم
کودکی گفت: مسکن تو کجاست
رقعه، دامن زدن بجایه، خویش
خوشای چند می توانم چید
در سپاهم خواننده ماند تمام
همه گویند پیش ما منشین
بر پلاسم نشانداند از آن
نزد استاد فرش رفته و گفت
هیکنام قضا زنده همی
من نرفتم به باغ با طفلان
گل اگر بود، مادر من بود
گل من، خارهای پای من است
اوستادم نهاد لوح به سر
من که هر خط نوشتم و خواندم
پشت سر اوفتاده، فلکسم
مزد بچمن همی ز سن خواهند
چرخ، هر سنگ داشت بر من زد
چه گفتم خانه زمانه خراب

اسباب بازی در مسیر جنّت

هنرمندان در مسیر جنگ قرار
بدهند و رادیو تلویزیون بهتر است که
پرنامه های کودک، بیشتر هنر خود را
در مسیر جنگ قرار بدهد."
رسالت ۱۲- فروردین ۶۶

آیت الله صانعی در نماز جمعه قم:
"فلکی را که آموزش و پرورش
درست کرده و به بچه ها داده بود، به
صورت تانک یعنی یک وسیله جنگی
است. باید اسباب بازی بچه ها را

مجموع مسکن ساخته شده در ۲۰ سال قبل از آن یعنی از زمان تشکیل جمهوری خلق چین، بیشتر است. در حال حاضر ۱۷/۸ متر مربع مسکن برای هر نفر از سکنه روستاهای چین وجود دارد.

علیرغم دستاوردهای نمایان کشاورزی چین، هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از دهقانان نمی‌توانند خانواده خود را از نظر مواد غذایی و سوخت بقدر کافی تامین کنند. بر طبق آمار رسمی ۵۰-۶۰ میلیون نفر - عمدتاً در مناطقی که محل زندگی اقلیت‌های ملی است - در زیر خط فقر قرار دارند.

همیشه برنامه ریزی تطبیقی

رفرم کشاورزی متضمن جانفش کردن برنامه ریزی تطبیقی به جای برنامه ریزی متمرکز از طریق الزام است. در گذشته، دهقانان موظف بودند سهمیه غله‌ای را که از بالا برایشان مقرر شده بود تولید کنند. آن‌ها تمامی محصول خود را به دولت تحویل می‌دادند و سهم خودشان را از یک انبار مرکزی که موجودی‌اش از مازاد محصول نسبت به برنامه پیش‌بینی شده تشکیل می‌شد، دریافت می‌کردند. در اواخر دهه ۷۰، بعد از معمول شدن سیستم کنترلات‌های خانوادگی، حق دهقانان برای فروش محصول مازادشان در بازار آزاد به نرخ بازار، و همچنین حق استفاده از یک قطعه زمین بر طبق قراردادی که با صاحبان خودشان، با شرط الزامی تامین سهمیه مقرر برای فروش به دولت بسته می‌شود، تضمین گردید.

عملکردهای ارگان‌های برنامه ریزی مرکزی و استانی تغییر کرده است. آن‌ها دیگر موظف نیستند جزئیات سهمیه‌های تولید را تعیین کنند. به عوض آن، این ارگان‌ها تنها برنامه‌های درآمدت پنج‌ساله و یا بیشتر برای آینده را طرح ریزی می‌کنند، اکنون وظیفه آن‌ها تجزیه و تحلیل گرایشهای بازار و تعیین نیازمندی‌های غذایی اهالی است.

نتیجتاً، برنامه دولتی برای میزان محصول کشاورزی حالاً نه بر مبنای فرامین مصوبه ارگان‌های برنامه ریزی از بالا، بلکه بر مبنای اطلاعات دریافتی از روستا، نظرات تولید کنندگان و نیازمندی‌های بازار، و با در نظر گرفتن اهداف نهایی تولید مطابق نیازمندی‌های دولت، تدوین می‌شود.

سیستم کنترلاتی فروش غنم مهمی از برنامه ریزی تطبیقی را تشکیل می‌دهد. قرارداد بین سازمانهای محلی خریدار و خانواده‌های دهقان قبل از آغاز فصل کشت منعقد می‌شود. قرارداد، میزان و کیفیت محصولی را که باید تحویل شود، قیمت آن، و مقدار تحویل کودهای شیمیایی، مواد شیمیایی، سوخت گازوئیل (در صورت استفاده از تراکتور) و سایر محصولات صنعتی به قیمت‌های ثابت، و همچنین



کامیونهای مستعمل تعمیر شده و به دهقانان فروخته می‌شود

زیرساخت اقتصادی کشور با زتاب می‌یابد. تأثیرات این اصلاحات در عرصه اقتصادی و در عرصه اجتماعی و فرهنگی یکسان نیست و حتی با هم در وجوه روشنی زاویه می‌یابند. از همین روست که سرنوشت و جهت این اصلاحات را در درجه نخست سیاست رهبری کننده تعیین می‌کند.

در مقاله‌ای که در زیر می‌خوانید به جنبه‌های مهمی از رفرم کشاورزی آغاز شده از اواخر دهه هفتاد و برخی از وجوه و پیامدهای اجتماعی این کورس تازه - که باید مورد توجه و دقت ویژه قرار گیرد - اشاره شده است و از نظر اطلاعات عینی و روشن آن سودمند است. این مقاله به توسط گریگوری آرسلاووف خبرنگار خبرگزاری تاس در پکن نگارش یافته و در شماره سوم امسال هفته‌نامه شوروی "عصر جدید" درج گردیده است.

وضعیت امروزین روستاهای چین

افزایش قیمت محصولات صنعتی، کالاهایی که در تولید بکار می‌روند، سوخت و کودهای شیمیایی کند شده است، سطح زندگی دهقانان در اثر رفرم کشاورزی دائماً در حال افزایش است. بررسی وضعیت اقتصادی ۶۷۰۰ خانوار دهقانی در سراسر کشور (بدون ثبت، که با به حساب آوردن آن میزان متوسط کاهش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت) نشان داده است که درآمد سرانه در روستاهای چین در ۹ ماهه اول سال ۱۹۸۶، ۲۵۴/۱۷ یوان (در حدود ۷۰ دلار)، یعنی ۲۴/۱ یوان بیش از مدت مشابه در سال ۱۹۸۵ بود است. اما اگر در سال ۱۹۸۵ آهنگ رشد، ۲۹/۲ درصد بود در سال ۱۹۸۶ به ۱۰/۵ درصد کاهش یافت (با محاسبه افزایش قیمت‌ها، حتی به ۶/۲ درصد).

روزنامه‌های چینی کمتر شدن محصول غله از برنامه پیش‌بینی شده را ناشی از شرایط نامساعد جوی در بعضی مناطق طی سال گذشته می‌دانند. "دوروتکشن" رئیس انجمن دولتی مرکز تحقیقات پیشرفت روستایی چین در مجله هونگ‌کی اذعان داشت که علت دیگر این امر کاهش علاقه دهقانان به کشتکاری است. کارهای جنبی کشاورزی، و کارهای صنعتی روستایی سود سریع‌تری نسبت به کشت محصول می‌دهد و در نتیجه دهقانان مایلند به این عرصه‌های سودآورتر رو آورند. در پایان سال ۱۹۸۵ بیش از ۶۰ میلیون دهقان در عرصه‌هایی غیر از تولید کشاورزی فعالیت می‌کردند.

با این همه، رشد کشاورزی، و از جمله صنایع کشاورزی، و افزایش تولید کالایی در روستا به خود باعث فراوانی مواد غذایی یا کاهش قیمت کالاهای مصرفی نشده است. اوایل نوامبر ۱۹۸۶ قیمت شیر و لبنیات - و در نتیجه قیمت بسیاری از مواد غذایی - در پکن تقریباً ۵۰ درصد افزایش یافت. با وجود این، تقاضا برای محصولات کشاورزی، در پایتخت بسیار بیش از عرضه آن است و این خود منجر به افزایش بازهم بیشتر قیمت‌ها می‌شود.

ساختمان متمرکز مسکن در مناطق روستایی اخیراً پیشرفت داشته است. از ۱۹۷۹ تا کنون ۴۲/۶ میلیارد متر مربع مسکن در روستاهای چین ساخته شده است (از جمله محله‌های اقامت کارگران)، که نسبت به

جمهوری خلق چین در حال آزمودن یک روند اصلاحی از نوع خود است. از آنجایی که چین به لحاظ ترکیب اجتماعی و کیفیت وضعیت اقتصادی خود همچنان یک کشور دهقانی است، رفرم کشاورزی که در اواخر دهه هفتاد آغاز شد و تغییرات بسیاری در روستاهای این کشور پدید آورد، در مراتب نخست و ثانوی اصلاحات اقتصادی و اجتماعی تازه قرار دارد. بنیاد این اصلاحات را گسترش تولید کالایی و آزاد گذاشتن نسبی مکانیسم بازار تشکیل می‌دهد. بی‌گمان برای رشد اقتصادی چین، انجام اصلاحات از جمله با به کار گرفتن اهرم تولید کالایی، اگر با کنترل ویژه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با توجه اکید به پی‌آمدهای خاص به کار گرفتن این اهرم صورت گیرد، ضرورت دارد. از زاویه‌ای فرادیدی و ناظر بر کلیت اقتصاد چین - انسان که در ارقام خاص کل تولید و درآمد ملی و سرعت رشد صنایع و

کنفرانس سرتاسری چین در مورد مسایل مربوط به کشاورزی که در پکن تشکیل شد نتایج اولیه سال گذشته کشاورزی در کشور را جمع‌بندی کرد. محصول ناخالص تولیدات کشاورزی نسبت به سال ۱۹۸۵، ۴/۴ درصد بالاتر بود و محصول غله به حد ۲۹ میلیون تن (۱۰ میلیون بیش از ۱۹۸۵) رسید. در عین حال خاطر نشان گردید که تولید غله، پنبه و نیشکر از میزان برنامه ریزی شده کمتر بوده است.

دستاوردهای رفرم

بازسازی مکانیسم مدیریت اقتصادی در روستاهای چین با جمعیتی بیش از ۸۰۰ میلیون نفر بطور محسوس نتایج خوبی به بار آورده است. محصولات غذایی، محصولات غیراساسی و مواد خام برای صنایع سبک، بطور چشمگیری افزایش یافته است. در مجموع، رفرم شرایط مناسبی برای رشد بیشتر اقتصاد ملی فراهم آورده است.

انتقال تدریجی از تولید نیمه طبیعی به تولید کالایی در کشاورزی موجب رشد فزاینده تقاضا برای کالاهایی که فرآورده بخش صنعت هستند، از سوی واحدهای مجزای اقتصاد معیشتی دهقانی گردیده و بازار محصولات صنعتی را به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش داده است.

بخش کشاورزی شاهد دگرگونی‌هایی کیفی است؛ شرایط تولید بهبود می‌یابد، رفاه و سطح فرهنگی دهقانان ارتقا پیدا می‌کند و کشاورزی پیشرفته اشاعه می‌یابد.

علیرغم رشد سریع صنعت، بویژه صنایع سبک، کشاورزی همچنان پایه اقتصاد چین را تشکیل می‌دهد. گواه چنین امری از جمله این است که درآمد دولت از داد و ستد محصولات کشاورزی در داخل کشور و پول نقد بدست آمده از صادرات این محصولات سال به سال افزایش می‌یابد. تنها در سال ۱۹۸۵ روستاهای چین ۱۸/۸۲ میلیارد یوان به عنوان مالیات‌های مختلف به دولت پرداخته‌اند. این رقم ۲/۱ برابر بیش از این رقم در سال ۱۹۷۸ یعنی قبل از معمول شدن کنفرات‌های خانوادگی در کشاورزی است.

اگر چه اخیراً آهنگ رشد درآمد آن‌ها به علت

روستایی است در ۷۰۰ ناحیه از ۲۰۰۰ ناحیه تاسیس شده است. عملکرد این مراکز متکی به خود تنها منحصر به ارائه خدمات فنی به دهقانان نیست، آن‌ها مبلغ و مروج انواع محصولات کشاورزی بوده و مشورت‌های بسیار سودمندی در تمام موضوعات مربوط به تولید کشاورزی عرضه می‌کنند. در نواحی پیشرفته‌تر مراکز ماشین و تراکتوری وجود دارد که بر طبق کفترات زمین را شخم می‌زنند و محصول را درو می‌کنند.

به نظر متخصصین چینی، رشد و تکامل تولید کالایی به کارآمدتر شدن کشاورزی و همچنین، به ساختن پایه‌های ضرور برای رشد و تکامل صنایع روستایی که برای حل معضل اشتغال در روستاها ضرورت حتمی دارد، کمک می‌کند.

روزنامه چین جی ریبائو می‌نویسد: "سایل مربوط به تخصصی کردن کشاورزی، ترغیب تولید کالایی با برنامه، کم کردن شکاف بین صنایع و کشاورزی و بین شهر و روستا تنها می‌تواند بوسیله ایجاد موسسات صنعتی گوناگون روستایی به خرج خود دهقانان حل شود. دولت عملاً به هیچ وجه در وضعیتی قرار ندارد که پولی برای ساختن چنین موسساتی اختصاص دهد تا بتواند برای دهقانان شغل ایجاد کند."

از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ میزان محصول موسسات صنعتی روستایی به مجموع ۵۶/۹ میلیارد یوان رسید. این موسسات توانسته‌اند بعد از کسر هزینه‌های تولید ۱/۴ میلیارد برای خرید ماشین‌آلات، انجام کارهای تکنیکی کشاورزی، و پرداخت به دهقانانی که بکار کشت مزارع و دام‌پروری اشتغال داشته‌اند اختصاص دهند.

آمارهای رسمی حکایت از آهنگ سریع شهری شدن روستاها، چین دارد. در سال ۱۹۸۶ تولید ناخالص صنایع روستایی از تولیدات ناخالص کشاورزی به لحاظ ارزش پیشی گرفت. کارخانه‌های روستایی ۷۶ میلیون نفر را که در کشاورزی نیز کار می‌کنند در استخدام خود دارند. این مقدار تقریباً ۲۰ درصد تمامی نیروی کار در روستاهای چین را تشکیل می‌دهد.

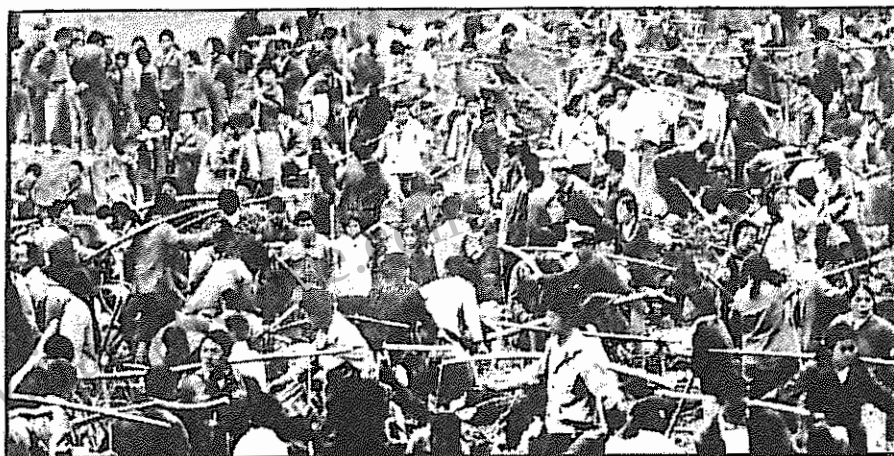
اغلب محصولات کارخانه‌های روستایی در روستاها بفروش می‌رسد و بخش مهمی از سود آن‌ها در جهت رشد و تکامل کشاورزی به کار می‌افتد.

زندگی در روستاهای چین هنوز روال ثابتی نگرفته است. مطالبه موثرترین راه‌ها برای سرعت بخشیدن به رشد تولید کشاورزی ادامه دارد.

مرحله اول رفم کشاورزی، یعنی توزیع زمین بین خانواده‌های دهقانان، نسبتاً با آرامی طی شد. در آن مرحله، رفم بطور موثری منجر به احیای اقتصاد طبیعی خرد که برای دهقانان چنین آشناست گردید. در نتیجه، کارکنان محلی و دهقانان خیلی سریع خود را با "ابداعات" وفق دادند.

تصور می‌رود که مرحله دوم رفم، مرحله معمول کردن انواع اشکال کشاورزی کلوتراتیوی باشد. مثلاً، نشریه نونگ مین ریبائو گزارش می‌کند که بیش از ۷۶ درصد از دهقانانی که در استان هوپیه مورد سؤال قرار گرفته‌اند از کلوتراتیوی شدن کشاورزی و بویژه در عرصه مالی، مکانیزه کردن کشاورزی و ساخت سرمایه حمایت کرده‌اند. همین نشریه از قول مخالفین کلوتراتیوی کردن کشاورزی می‌نویسد که این کار ممکنست به احیای برابری پرداخت‌ها منجر شود. این امر همچنین از طرف "خانواده‌های دهقانی پر درآمد" نیز که سودهای عده‌ای در شرایط کنونی می‌برند، با مخالفت روبرو می‌شود.

صنایع کشاورزی، منوط به حل مساله ارتقای سطح فرهنگ و معارف عمومی در دهقانان است. آخرین سرشماری عمومی نشان داده است که ۲۰ درصد جوانان و میان سالان روستایی با بکلی بی‌سواد یا نیمه سواد هستند. (تنها ۲ درصد از جمعیت صد و چند میلیونی استان سی‌چوان در کشاورزی، دام‌پروری و با ماهیگیری تخصص دارند). طی چند سال گذشته، از زمانی که مزارع یا قطعات زمین بطور کفترات برای کشاورزان واگذار شده، نوجوانان بسیاری برای کمک به پدر و مادرانشان مدارس را ترک کرده‌اند. در طی هشت سالی که از آغاز رفم کشاورزی می‌گذرد قلمب‌بندی دهقانان از نظر میزان دارایی بطور مداوم در حال افزایش بوده است. "ساله" ثروتمند شدن بخش‌هایی از دهقانان در مطبوعات مورد بحث قرار گرفته است. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که این پدیده‌ای قابل قبول است. عمل بعضی دهقانان در بکارگیری کار مزدوری در قابل قبول بودن این وضعیت تردید ایجاد کرده است، اگر چه با توجه به میزان بالای بیکاری موجود، این پدیده نیز



احداث یک جاده روستایی

وجه مثبتی از رفم تلقی می‌شود که موجب فراهم آوردن مشاغل اضافی و تشویق تولید کالایی می‌گردد. کارگران کشاورزی و مزدبگیران نه تنها توسط دهقانان غیر حزبی بلکه توسط اعضای حزب کمونیست چین نیز به خدمت گرفته می‌شوند. رهنمودهای صادره در این رابطه می‌گوید در هنگام دایر شدن سازمان‌ها، حزبی روستایی، اعضا، در مورد کارکرد مزدور گرفتن ملزم به رعایت دسیس‌لینی نمی‌شوند.

شهری شدن

از زمان تصویب قانون اسامی جدید سیستم مدیریت اجرایی در روستا کاملاً تغییر یافته است. قبل از رفم ۵۴۰۰۰ کمون خلق و ۲۸۰۰۰ بنگاه وجود داشت. روسای کمون‌ها و بنگاه‌ها تحت کنترل کامل دولتی، حزبی و اقتصادی قرار داشتند. بعد از رفم ۱۱۵۹۰ ارگان اجرایی منطقه‌ای، منطقه ملی و بنگاه‌های در روستاها تاسیس شد؛ ۲۱۴۴ ارگان منطقه ملی حقیقتاً و یا دوباره تاسیس گردید و تعداد بنگاه‌ها به ۹۱۴۰ عدد افزایش یافت. دگرگون کردن ساخت ارگان‌های اجرایی محلی در روستاها بخشی از رفم مربوط به ساخت سیاسی اجرایی کشور است.

ابداعات بسیاری در روستاهای چین صورت گرفته است، که اغلب آنها به عرصه تولید مربوط است. مراکز خدمات فنی که در خدمت خانواده‌های

میزان اعتباراتی را که از قبل در اختیار دهقانان قرار خواهد گرفت، معین می‌کند. دهقانان طبق قرارداد موظفند قبل از هر چیز سهمیه محصولات کشاورزی برای فروش به دولت را تأمین کنند. در این مورد اغلب، منافع دهقانان و دولت با هم برخورد پیدا می‌کند. طبعاً دهقانان ترجیح می‌دهند چیزهایی تولید کنند که در بازار سود زیادی عایدشان می‌کند. مثلاً طی چند سال گذشته میزان محصول پنبه سریعاً افزایش یافت که منجر به انباشت مقادیر اضافی آن گردید. دولت قیمت خرید آن را در ابتدای سال ۱۹۸۵ کاهش داد و دهقانان بلافاصله این کار را با کم کردن مقدار محصول به میزان یک سوم آن در سال ۱۹۸۴، هنگامی که پنبه بدست آمده به شش میلیون تن رسید، پاسخ دادند (در چین میزان محصول پنبه را بر مبنای مقدار نرخ تاییده شده اندازه می‌گیرند، نه بر مبنای پنبه خام).

با حذف برنامه‌ریزی متمرکز از طریق رهنمود الزام، پیوندهای اقتصادی بین دولت و میلیون‌ها

دهقان باز هم نزدیک‌تر شده است. رابطه متقابل آن‌ها نه بوسیله الزام و دستور بلکه بوسیله مکانیسم اقتصادی تنظیم می‌شود. اگر دهقانی وظایف را خوب انجام ندهد، دیگر در یک گروه آمی مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد. عدم توفیق در اجرای مفاد قرارداد او را از حق خرید کود شیمیایی، سوخت گازوئیل و کالاهای مصرفی به قیمت‌های ثابت محروم می‌کند. اکنون قیمت بازار این کالاها چندین برابر بیشتر است.

کارزائد

معمول شدن سیستم کفترات‌های خانگی موجب زائد شدن نیروی کار گردیده است. بر طبق تخمین اقتصاددانان چینی، ۱۰۰ میلیون از ۲۰۰ میلیون نفر اهالی قادر به کار در روستاها شغل معینی ندارند. رشد طبیعی جمعیت و افزایش بهره‌وری کار این معضل را به‌ویژه حاد می‌سازد. متخصصین چینی معتقدند که راه حل این مسئله سرعت بخشیدن به روند شهری شدن است. منظور آن‌ها نه انتقال کارکنان زائد روستایی به شهرها، بلکه کانالیزه کردن این توده عظیم مردم به کارهای تولیدی غیر کشاورزی در خود روستاهاست، که باید در آنها موسسات صنعتی و شهرکهای کارگری بنا شود. تهیه شغل برای بیکاران از طریق رشد و گسترش

اجلاس سران کشورهای امضاکننده پیمان ورشو

بقیه از صفحه اول

سال گذشته خود که در فراخوان بودایست بازتاب یافت، در مورد موشکهای هسته‌ای تاکتیکی خواهان محو این موشکها همزمان با کاهش سلاحها و نیروهای غیرهسته‌ای گردید. این پیشنهاد خاطرنشان می‌سازد "عدم تقارن" ها در عرصه انواع گوناگون سلاح باید از طریق کاهش سطح تسلیحات تا میزان پایین‌تر از بین برود، و نه از طریق تولید سلاح‌های بیشتر. پیمان ورشو همچنین پیشنهاد می‌کند بودجه‌های نظامی کشورهای عضوین پیمان و ناتو کاهش یابد.

اجلاس برلین خواهان تدوین چارچوب قراردادی میان اتحاد شوروی و آمریکا درباره سلاحهای تهاجمی - استراتژیک هسته‌ای و رعایت قرارداد منع سیستم‌های ضد موشکی گردید. (آمریکا قصد دارد با نقض این قرارداد برنامه "چنگ ستارگان" را به اجرا بگذارد.) پیمان ورشو بار دیگر پیشنهاد کرد کلیه آزمایشهای هسته‌ای متوقف گردد. در قطعنامه اجلاس برلین همچنین آمده است یک قرارداد بین‌المللی برای منع کامل سلاحهای شیمیایی می‌تواند تا پایان سال جاری به امضا رسد. اجلاس برلین از طرح "دالان غیر هسته‌ای و غیر شیمیایی" که توسط حزب سوسیالیست متحد آلمان

دمکراتیک، حزب کمونیست چکسلواکی و حزب سوسیال دمکرات آلمان فدرال تهیه شده و برچیدن کلیه سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی از این سه کشور را پیش‌بینی می‌کند حمایت کرد. در قطعنامه برلین تاکید شده است کشورهای سوسیالیستی آماده اعمال هر گونه کنترل دوجانبه، شامل کنترل در محل، برای رعایت قراردادهای خلیع سلاح هستند.

کشورهای سوسیالیستی اروپا هدف سیاست خارجی خود را ایجاد "یک نظام همه جانبه صلح و امنیت بین‌المللی شامل عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و انسانی" اعلام کردند و خواستار گسترش همکاری اقتصادی و علمی - فنی و نیز همکاری برای حفظ محیط زیست میان کشورهای اروپایی شدند. مناسبات میان کشورهای دارای نظامهای متفاوت اجتماعی طبق قطعنامه اجلاس برلین باید بر این اصول مبتنی باشد: احترام به استقلال و حاکمیت ملی، عدم کاربرد و عدم تهدید به کاربرد قهر، مسئولیت مرزها و تمامیت ارضی، حل مسالمت آمیز اختلافات، عدم دخالت در امور داخلی، حقوق برابر و سایر اصول و اهداف منشور ملل متحد، قطعنامه هلسینکی و سایر معیارهای مناسبات بین‌المللی که مورد پذیرش عمومی است.

سنت‌های مبارزه با...

بقیه از صفحه ۲

همبستگی و حمایت از مبارزه مردم ایران علیه رژیم تنها زمانی خواهد توانست توجه افکار عمومی بین‌المللی را به خود جلب کند که از اکتفا به تکرار شیوه‌های معمول و مرسوم اجتناب ورزد. نیروی عادت، مارا به سمت ادامه روال همیشگی در تبلیغات و فعالیت‌های خود می‌کشاند. تمایل غیرارادی به انتخاب اشکال و شیوه‌های متعارف مبارزه، به انتخاب شیوه‌هایی که دهها و دهها بار اجرا شده و از این رو، تکرار آن نیاز به فکر کردن دوباره و بازاندیشی ندارد، برخورد روزمره و بوروکراتیک به مسائل و وظایف مبارزه، از آفات هستند که می‌توانند مانع اثربخشی فعالیت افشاگرانه و بسیج گراما علیه رژیم در خارج از کشور گردند.

واقعیت این است که فعالیت تبلیغی و افشاگرانه علیه رژیم در قالبها و اشکال محدودی صورت می‌گیرد: جمع‌آوری امضا، شرکت در گردمایی و مراسم و پخش اعلامیه و... و دکتر - برگزاری تظاهرات. آیا این رشته‌کارها، در برگیرنده سراسر طیف اشکال و شیوه‌های ممکن است؟ وجه مشترک همه شیوه‌هایی که فعلاً مرسوم است، واکنشی بودن آنهاست. ما باید بگوئیم فعالیت‌ها و تبلیغاتمان بیش از آنکه از موضع عکس‌العمل در برابر رویدادها باشد، خود نیز بتواند رویدادی تلقی شود.

پیچیدگی‌ها و ویژگیهای افکار عمومی در کشورهای سرمایه‌داری - محل تمرکز فعالیت اپوزیسیون ترفیخواه ایرانی - چنان است که در برابر اشکال کهنه و تکراری تبلیغ بی‌واکنش می‌ماند.

تنها عدم اکتفا به آنچه تاکنون مرسوم و متداول بوده و فکر کردن مستمر و مداوم به راهها و ابتکارات جدید است که خواهد توانست پاسخگوی وظیفه افشای هرچه گسترده‌تر رژیم در خارج از کشور باشد. به تجربه عین‌چند ساله درنگاه - کنیم: آن اقدامات و اعتراضاتی بیشترین بازتاب را یافته‌اند - و بنابراین موثرترین بوده‌اند - که به گونه‌ای، یک عنصر "نو" در خود داشته‌اند. بگوئیم تا این "نو" را بیابیم - هر بار، همیشه و در هر کجا.

بدیهی است که دستاوردهای مبارزه و فعالیت خستگی‌ناپذیری نیز که تاکنون انجام گرفته گرانقدر است. نباید به آنچه در چارچوب همین اشکال و شیوه‌های تابه حال متداول، انجام گرفته، کم بها داد. همین اقدامها نیز در افشا و انزوای رژیم موثر بوده‌اند و باید ادامه یابند. سخن بر سر ارتقای سطح مبارزه است، سخن بر سر اجرای وظایف سنگینی است که بر دوش ما قرار دارند.

بگوئیم که با درک کامل اهمیت این وظایف، با پویایی و خلاقیت از عهده انجام آنها بر آییم.

هوشدن حزب الله در بن

بقیه از صفحه اول

گردید از پلیس آلمان فدرال طلب حمایت ویژه کرده بود. پلیس نیز به این درخواست لیبیک گفته و نیروی پر شمار ویژه‌ای را برای حفاظت از حزب الله به صحنه هوشدن آنها اعزام نموده بود.

پلیس پس از ظنن افکندن شعارهای کوبنده ایرانیان مخالف رژیم - که از گروههای مختلف بودند - فضلاء کوشید آنها را پراکنده کند. صف حزب الله در این میان کاملاً متشنج گشته و آنان خود را باخته بودند. ایرانیان شعارهای مختلفی به فارسی و آلمانی در فضای میدان ظنن افکن ساختند، مرکب بر خمینی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد! سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی! جنگ خلیج پایان باید یابد و نظایر اینها. مخالفین پس از حمله پلیس مجدداً جمع گشته و به دادن شعار

پرداختند. پلیس باز حمله آورد و نفر را دستگیر کرد. رهبران آلمانی با نفرت به حزب اللهی‌ها تکیه و از مواضع نیروهای انقلابی و مترقی ایران دفاع نموده و با پلیس به خاطر اعمال خشونت علیه مخالفین و حمایت از مزدوران خمینی جروبحث می‌کردند. اعلامیه‌هایی که از سوی فدائیان خلق پخش می‌شد، دست به دست می‌گشت. آلمانی‌ها به خاطر تلاش پلیس برای جمع‌آوری اعلامیه‌ها، پلیس را مورد انتقاد شدید قرار می‌دادند.

مزدوران جمهوری اسلامی به قصد تظاهرات میدان را ترک کرده و پس از ۱/۵ ساعت دوباره به آنجا برگشتند. در این فاصله ایرانیان مخالف رژیم که عده آنها را فعالین سازمانهای چپ تشکیل می‌دادند، فعالانه به افشاکری علیه مزدوران حکومتی و جنایتکاریهای خمینی



تظاهرات پلیس با حزب الله؟

حزب اللهی‌ها تحت حمایت فعال انبومی از افراد پلیس جرات کردند آفتابی شوند. برای گذاشتن این قبیل معرکه‌گیری‌ها لازم است نیروهای انقلابی و مترقی فعالانه‌تر حرکات مزدوران را زیر نظر گرفته و از طریق همبستگی بین خود و بسیج نیرو، خمینی و مزدورانش را با خنثی ساختن معرکه‌گیری‌هایشان بیشتر در سطح جهانی بی‌آبرو سازند.

پرداختند. مزدوران، پس از بازگشت، با پتک شعارهای کوبنده علیه خمینی، مواجه شدند. پلیس فعالانه‌تر به محافظت از آنان پرداخت. تجربه بن نشان می‌دهد که برای جلوگیری از گستاخی مزدوران خمینی

دیدار میخائیل گارباجف از رومانی

میخائیل گارباجف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هفته گذشته یک دیدار رسمی دوستانه از رومانی به عمل آورد. وی در طی مدت اقامت خود در رومانی با نیکلای چائوشکوف رهبر این کشور دیدار و گفتگو کرد. موضوع مذاکرات شوروی و رومانی، وظایف و برنامه‌های جاری دو حزب کمونیست و دو کشور سوسیالیستی، صلح مناسبات کنونی و نیز جنبه‌های مهم سیاست بین‌المللی در موقعیت کنونی بود. دیدار گارباجف از بخارست نخستین بازدید یک رهبر شوروی از رومانی از یازده سال پیش بدین سو بود.

درگیری‌های خونین فرقه‌ای در هند

در درگیری‌های خونینی که در شهر مروت واقع در شمال هند میان هندوها و مسلمانان افراتی صورت گرفت، صدها تن کشته شدند. بدنبال این درگیری‌ها، ارتش هند در حمایت از واحدهای پلیس ایالت اوتارپرادش وارد عمل شد. شهر مروت در ۹۰ کیلومتری شمال شرقی دهلی قرار دارد. مقامات هند برای مدت نامحدودی در این شهر مقررات منع عبور و مرور اعلام کرده‌اند.

در بخش کهنه دهلی نیز طی هفته‌های اخیر میان هندوها و مسلمانان درگیری‌های خونینی رخ داد. دوشنبه گذشته مقررات منع عبور و مرور در این بخش از دهلی تنها به مدت یک ساعت لغو گردید. عکس، صحنه‌ای از خیابانهای شهر میلیونی مروت را پس از درگیری‌های اخیر و اعزام واحدهای ارتش نشان می‌دهد.



اخبار کوتاه

● زائو زیانگ نخست وزیر چین که عهده‌دار وئایف دبیرکل حزب کمونیست چین نیز هست، در یکن با کیم ایل سونگ دبیرکل حزب کارگره و رئیس جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کره دیدار و گفتگو کرد. در این مذاکرات که چندین ساعت به طول انجامید طرفین پیرامون اوضاع در دو کشور و مناسبات دو جانبه و نیز اوضاع بین‌المللی به تبادل نظر پرداختند.

● اعتصابات گسترده ایتالیا را فراگرفته است. ۱۵ هزار معلم و بخش بزرگی از کارکنان راه آبن ایتالیا در این اعتصاب برای دستیابی به حقوق و دستمزد بیشتر شرکت دارند. پروازهای داخلی نیز تحت تأثیر اعتصاب خلبانان مختل شده است.

● هفته گذشته در شهر دانشگاهی گوتینگن آلمان فدرال تظاهراتی با شرکت ۴۰ هزار دانشجو علیه سیاست دولت ایالتی "نیدرزاکسن" مبنی بر کاهش بودجه دانشگاهها صورت گرفت. این تظاهرات به علت گسترده‌گی آن بازتاب نیرومندی یافت.

حمله آفریقای جنوبی به موزامبیک و زامبیا

سلاح ارتش آفریقای جنوبی با کشتی در ساحل ماپوتو پیاده شده و سپس با اتومبیل به محل اجرای عملیات خود رفتند.

در تاریخ ۲۵ ماه مه نیز واحدهای مسلح آفریقای جنوبی به شهر لیونینگتن در زامبیا حمله کردند و ۵ نفر را به قتل رساندند.

حمله جمعه گذشته به موزامبیک علیرغم قرارداد عدم تجاوز میان دو کشور صورت گرفت که در سال ۱۹۸۴ به امضا رسید. از هنگام امضای این قرارداد تاکنون، رژیم آفریقای جنوبی بارها آن را نقض کرده است.

هفته گذشته رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی دو کشور همسایه را مورد تجاوز نظامی قرارداد.

جمعه گذشته یک گروه کماندویی ارتش رژیم آپارتاید به حومه ماپوتو پایتخت موزامبیک حمله کرد و سه تن را به قتل رساند. حمله با هدف تخریب ساختمان مقر کنگره ملی آفریقا در ماپوتو صورت گرفت. به این ساختمان آسیب رسید اما در آن کسی مجروح نشد. سه غیرنظامی در ساختمان محل اقامت پناهندگان اهل آفریقای جنوبی در موزامبیک قربانی جنایت جدید نژادپرستان شدند.

به گزارش خبرگزاری موزامبیک، نفرات

اعزام سه کشتی مین‌یاب شوروی به خلیج فارس

کمیسیون رسیدگی به ماجرای حمله هوایی عراق به رزمناو استارک که از سوی دولت آمریکا تشکیل شده بود، به تحقیقات خود در عراق پایان داد. رئیس این کمیسیون در بغداد اعلام کرد اطلاعات کافی برای بازسازی روال این حادثه جمع آوری شده است. وی افزود طرح یک قرارداد میان آمریکا و عراق برای جلوگیری از حوادث مشابه تهیه شده است.

وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد جرج شولتز وزیر خارجه این کشور در اجلاس وزرای خارجه ناتو که در ماه ژوئن در بروکسل برگزار خواهد شد بازدیدگر برخواست واشنگتن دایر بر شرکت همه کشورهای ناتو در عملیات آمریکا در خلیج فارس با فشاری خواهد کرد. و این برگر وزیر دفاع آمریکا هفته گذشته در اجلاس وزرای دفاع ناتو در بروکسل کوشید متحدان اروپایی آمریکا را به شرکت در عملیات پنتاگون در خلیج فارس جلب کند، اما وزرای دفاع سایر اعضای ناتو در برابر این خواست واشنگتن موافقت نکردند و خاطرنشان ساختند خلیج فارس در حوزه عمل ناتو قرار ندارد.

به گزارش خبرگزاریها، اتحاد شوروی سه کشتی مین‌یاب خود را به خلیج فارس اعزام کرد. این سه کشتی به دو رزمناو شوروی خواهند پیوست که از پایان سال ۱۹۸۶ بدین سورت آبهای خلیج فارس رفت و آمد می‌کنند. ماه گذشته یک کشتی غیرنظامی شوروی در خلیج فارس به یک مین دریایی برخورد کرد و آسیب دید.

پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا اطلاع داد این کشور برنامه خود را برای اسکورت کردن نفت‌کش‌های کویت در آبهای خلیج فارس به مدت چند هفته به تعویق انداخته است. این تصمیم به دنبال ابراز مخالفت با این برنامه از سوی برخی نمایندگان کنگره اتخاذ شد. پنتاگون اعلام کرد تا اطلاع ثانوی وظیفه نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس به "آماده شدن برای وظایف جدید" محدود خواهد بود. برخی نمایندگان کنگره آمریکا ابراز نگرانی کرده بودند که در صورت اسکورت کردن کشتی‌های کویتی از سوی کشتی‌های جنگی ایالات متحده به جنف ایران و عراق کشانده خواهد شد.

پیشنهاد انقلابیون السالوادور برای مذاکره رد شد

ژوئیه رای پیشنهاد کرده بود. روبن زامورا، از رهبران جبهه دمکراتیک انقلابی، ضمن اعلام برنامه مزبور در مکزیکوسیتی گفت این طرح، پیشنهاد واقع‌بینانه و قابل اعتمادی برای مصون نگه داشتن مردم غیرنظامی از آسیب‌های جنگ و از سرگیری مذاکرات دولت و انقلابیون که در سال ۱۹۸۴ قطع شده بود، می‌باشد.

جنگ داخلی در السالوادور که از هفت سال پیش ادامه دارد، تاکنون بیش از ۶۰ هزار قربانی گرفته و یک میلیون تن را بی‌خانمان کرده است.

تهاجم ارتش سری‌لانکا به تامیل‌ها

تهاجم اخیر علیرغم تلاش دولت هند برای میانجی‌گری میان طرفین صورت می‌پذیرد. پنجشنبه گذشته راجیو گاندی دولت سری‌لانکا را متهم ساخت که با سببیت، هزاران تن از شهروندان این کشور را به قتل رسانده است.

شمار زیادی از مردم مناطق تامیل‌نشین به علت تشدید درگیری‌های مسلحانه در شبه جزیره جافنا به مناطق جنوبی هند گریخته‌اند.

خوزه ناپلئون دوارته رئیس جمهوری السالوادور پیشنهاد جبهه دمکراتیک انقلابی، شاخه سیاسی جبهه رهایی بخش ملی فارابوندومارتی، برای کاستن از فجایع جنگ داخلی در این کشور را رد کرد. این پیشنهاد ۱۸ ماده‌ای توسط نمایندگان جبهه مزبور در مکزیکوسیتی اعلام شده بود. انقلابیون اعلام کردند در صورتیکه دولت السالوادور از حملات هوایی، استفاده از توپخانه و سربازگیری اجباری چشمپوشی کند، نیروهای میهن‌پرست نیز از کارگذاری مین و اقدامات سابوتاژ خودداری خواهند کرد. جبهه دمکراتیک انقلابی برای انجام مذاکرات تاریخ ۱۵

تهاجم گسترده ارتش سری‌لانکا به مناطق محل زندگی خلق تامیل ادامه دارد. به گزارش منابع دولتی در کلمبو، این یورش در شبه جزیره جافنا در شمال جزیره سری‌لانکا انجام می‌پذیرد. نیروهای دولتی منطقه واداماراک را که نیروهای جبهه آزادیبخش تامیل بیشتر در آنجا مستقرند، بطور عمده تحت کنترل خود درآورده و بندر مهم والوتی توتاری را تصرف کرده‌اند.

به مناسبت

۱۱ خرداد (اول ژوئن) روز جهانی کودک

وضع کودکان،

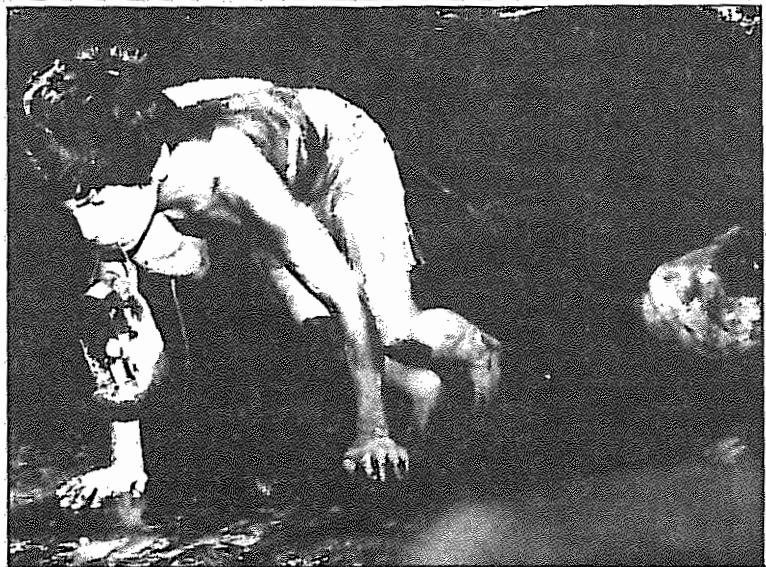
آینه تمام نمای يك جامعه

کودکان فردای جهان ما هستند .
آنها در روزگاری خواهند زیست که
بزرگترها نخواهند دید . روزگاری بهتر
و سعادتمندتر . اما کودکان امروز ما نیستند
هستند . به قول گابریلا میسترال شاعره شیلیایی
بی و برنده جایزه ادبیات نوبل ، کودک یعنی
"امروز" . نمی توان تا فردا یا تا سالها
بعد صبر کرد تا بلکه کودکان در آن هنگام
از حق شادمان بوی ، پوشیدن و خوردن و

در صلح زیستن بهره مند گردند . جامعه
ما عین نظام خود را در وضعی نشان
می دهد که برای کودکان فراهم می آورد .
وضع کودکان آئینه تمام نمای يك جامعه
است . در جامعه ای که فقر و استعمار و
مرویت سرکوب و جنگ و نا ابروی حکم
می رانند ، کودکان نیز - و آنها بیش از
همه رنج می کنند . اما در جهان
ما آنجا که طبقه کارگر به حاکمیت سرمایه
پایان داده و خود رهبر جامعه
شده است ، بهشت کودکان را می سازند .

در سال ۱۹۴۹ فدراسیون بین المللی
زنان دمکراتیک نسبتی بر اساس
تصمیم کنگره دوم خود اول ژوئن را روز
جهانی دفاع از کودکان اعلام کرد .
در سال ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل
متحد "اعلامیه حقوق کودک" را صادر نمود .
از آن هنگام همه ساله اول ژوئن -
(۱۱ خرداد) در سراسر جهان بخواه
روز جهانی کودک جشن گرفته می شود .
در کشورهای سوسیالیستی این روز
مناسبتی است تا بزرگترها باز هم بیشتر به

به تلاش مستمر برای بهبود شرایط زندگی
بقیه در صفحه ۶



کودک معدنچی . تازیانه بر تنش چنگ می کشد . استخوان می شکند و خون ...

خوش بینی

ناظم حکمت

فریاد می زنیم چه شد ؟
می گشاید در زندان ،
- این کتاب جلد سیاه -
در پاسخ این فریاد .
تازیانه بر تنان چنگ می کشد
استخوان می شکند
و خون
آنک کودکانان
چون اسکلت های مومی
از کارخانه ها به خانه باز می گردند ،
و هفته ای یکبار گوشت نیز
بر سر سفره مان نیست .
اما ... بچه ها ! باور کنید
ما را
روزهای زیبایی در انتظار است
روزهای روشنی
خواه -
- هیم دید
قایق ها را در آبی آبها خواهیم راند
در آبهای روشن آبی
خواه -
- هیم راند . بچه ها

بچه ها !
روزهای زیبایی در انتظار است ما را

روزهای روشنی

خواه

هیم

- دید

قایق ها را در آبی آبها

خواهیم راند

در آبهای روشن آبی

خواه -

- هیم راند

نمی دانید بچه ها :

پوسه گرفتن چه زیباتر

در ۱۶۰ کیلومتر سرعت .

*

براستی اما چه شد ...

چه شد جمعه ها و یکشنبه های پر گل ما ؟

تنها جمعه ها

و تنها یکشنبه ها

ما را بسر چه آمده ،

که در خیابانهای روشن و نورانی

منازعه های ۷۷ * طبقه را به تماشای ایستاده ایم

چون کودکی که افسانه ی پریان را گوش می کند .

کمیونیستهای نروژ جنگ و خفقان در ایران را محکوم کردند

در هماهنگی با هدفهای آمریکا در
منطقه عمل می کند

در پایان قطعنامه ، درخواست
پایان جنگ و آزادی زندانیان سیاسی
ایران تاکید شده و آمده است :
"شکجه و اعدام زندانیان سیاسی و
دگراندیشان باید بیدارنگ قطع
گردد" .

در زندانهای جمهوری اسلامی اعلام
می دارد .

قطعنامه درجایی دیگر
می افزاید : "در ایران هر صدا و هر
جنبش صلح خواهانه با خشونت سرکوب
می شود . رژیم جمهوری اسلامی هرگونه
پیشنهادی را برای صلح رد می کند .
روابط پنهانی و اشتکتن و تهران نشان
دهنده آنست که جمهوری اسلامی ایران

چندی پیش نوزدهمین کنگره
حزب کمیونیست نروژ در اسلو برگزار
شد . این کنگره قطعنامه ای درباره
جنگ ایران و عراق و دفاع از
زندانیان سیاسی ایران به تصویب
رساند . در این قطعنامه آمده است
کنگره "نگرانی و نفرت عمیق خود را
نسبت به جنگ ایران و عراق و همچنین
رفتار وحشیانه علیه زندانیان سیاسی

AKSARIYAT

NO.159

MONDAY JUN 1, 87

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY